

ازدواج از دید اسلام

مطمئناً شما خوب می‌دانید که ازدواج بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حادثه زندگی انسان است و دختران و پسران میوه‌های باغ زندگی انسان‌هایند و دست آفرینش نوعی جاذبه و کشش درونی در آن‌ها به ودیعت نهاده است. اضطراب و ناآرامی آنان در این سنین از طریق ازدواج به سکونت و آرامش تبدیل می‌گردد و قرآن که راز آفریدن همسر را (لتسکنوا الیها) می‌داند، بدین نکته اشاره دارد.

البته ازدواج و زندگی مشترک وقتی ثمر بخش، سودمند و ماندگار است که روحیه‌ها و طرز تفکر دو طرف، همسو و نزدیک باشد. در غیر این صورت، ریسمان وحدت و یگانگی به ضعف و سستی می‌گراید و سرانجام گسسته می‌شود. در زندگی خود شاهد پدیده‌های تلخ و درد آوری هستیم که دختران و پسران و خانواده‌هایشان را می‌آزارد و کاخ زندگی مشترک زوجین را فرو می‌پاشد. بی‌تردید محاسبات غلط، احساسات زودگذر، خیالات و توهمات بی‌اساس عامل اصلی تحقق این پدیده‌ها به شمار می‌آید. بنابراین، اگر در گزینش همسر اصول صحیح رعایت‌شود، بخش عظیمی از ناگواری‌ها و نابسامانی‌ها و مشکلات از میان می‌رود و زندگی جوانان پربارتر و زیباتر می‌شود.

با توجه به نقش بسیار سازنده ازدواج در زندگی فردی و اجتماعی، در دین مبین اسلام سفارش فراوانی در مورد ازدواج شده که همگی بر اهمیت و آثار ارزنده آن دلالت دارد و ناگفته پیداست که تعابیری مثل {النکاح سنتی فمن رغبتی عن سنتی فلیس من} ازدواج سنت و آیین من است و هر که به سنت من پشت کند از من نیست {به طور کلی در جهت تشویق و ترغیب به این امر الهی و سنت نبوی(ص) است و هدف از آن ایجاد انگیزه و یادآوری اهمیت و ارزش آن است و با این گونه روایات درصدد گوشزد کردن آثار و خیرات عمیق آن می‌باشند؛ چنانچه در مورد محاسبه نفس نیز داریم که: کسی که نفس خود را محاسبه نکند و پرونده اعمالش را بررسی ننماید از ما اهل بیت نمی‌باشد و واضح است که این حدیث به این معنا نیست که چنین فردی شیعه و دوستدار ما خانواده نمی‌باشد.

بلکه هدف توجه دادن به اهمیت محاسبه نفس می‌باشد. با توجه به این نکته معلوم می‌شود در این روایات خطاب به کسانی است که با وجود داشتن امکانات و زمینه ازدواج به این سنت پیامبر(ص) اهمیتی نمی‌دهند و با این کار عملاً به سنت و شیوه و روش پیامبر(ص) بی‌اعتنایی کرده و آن را کوچک و کم‌اهمیت می‌شمرند و این زمینه‌ساز تخلف و سرپیچی و پشت کردن به دیگر سنت‌های پیامبر و اولیای الهی(ع) و انحراف از دین مبین می‌باشد. مسلماً خطاب این گونه احادیث با افرادی نیست که به خاطر عدم آمادگی و یا وجود موانعی بر سر راهشان هنوز برای ازدواج آمادگی ندارند. بلکه بیشتر متوجه کسانی است که به خاطر ترس از فقر و نداری و یا عدم توکل بر قدرت خداوند و یا ترس از مسؤولیت‌پذیری زیر بار ازدواج نمی‌روند.

ازدواج دارای فواید بسیاری است از جمله:

1. بقای نسل، 2. آرامش و تعادل روحی و جسمی، 3. سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه، 4. تامین نیاز طبیعی و غریزی انسان، 5. ارضای حس محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن و ... {۷.روم (30)، آیه 21؛ تفسیر المیزان، ج 15، المؤمنون، ذیل آیه ۷6}.

البته ممکن است بعضی از این فایده‌ها برای برخی مهم‌تر باشد؛ گاهی شخصی به جهت ارضای غریزه جنسی خود، ازدواج می‌کند و آن را از نظر اهمیت در رتبه اول قرار می‌دهد و گاهی به دست آوردن شریک و یآوری دلسوز در زندگی برای او اهمیت دارد و... باید دانست که بعضی از این فواید در ازدواج موقت نیز تحقق می‌یابد.

اسلام درباره ازدواج و انتخاب همسر آن قدر قانون و مطلب و تاکید دارد که انسان در شگفتی فرو می‌رود. استاد محمد تقی جعفری می‌فرمود: «برتراند راسل، فیلسوف مشهور اروپایی، به من نوشت: چرا اسلام این قدر به ازدواج بها داده و برای آن قانون وضع کرده است؟ در جواب نوشتم: مساله انسان است. با ازدواج می‌خواهد انسان به وجود آید»

یکی از مهم ترین دام های شیطان که به وسیله آن بیشتر افراد از صراط مستقیم الهی و دین حق منحرف می شوند و به گرداب معصیت و گناه می افتند، مساله غریزه جنسی است . وقتی انسان مورد حلالی برای ارضای این غریزه و خاموش کردن این آتش سوزان داشته باشد، دیگر فکریانت به نوامیس دیگران و آلوده شدن به گناهان دیگر (از قبیل لواط و استمناء) از سرش بیرون می رود . همچنین مرتکب گناهان دیگری که مقدمه برای بعضی از کارها است (مثل دروغ ، حيله و مکر ، خودکشی ، قتل و) نمی شود و این مساله به تجربه ثابت شده است . آری ((اگر کسی ازدواج کند واقع نصف دینش را حفظ کرده ، پس باید راجع به نصف دیگرش تقوایبش کند)) ؛ چون نصف دیگر گناهان هم منشا دیگری دارد (مثل ربا خواری ، رشوه ، ظلم و تعدی ، حب ریاست که منشا آنها حب و علاقه به دنیا است .)

بیشک هیچ شالوده ای، مقدس تر از بنای رفیع ازدواج نیست {رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله عز و جل من التزویج»؛ «هیچ بنایی در اسلام محبوب تر از ازدواج، نزد خداوند بنا نشده است»؛ (وسائل الشیعه، ج 14، ص 3) . (و هر ملتی در دین و آیین خود به نوعی از آن بهره مند است. دین اسلام بیش از همه بر آن تأکید دارد و برای آن آثار و فواید مهمی یاد کرده است.

در قرآن مجید سه آیه در اهمیت اصل ازدواج آمده و همگان را به آن تشویق و دعوت کرده است:

«1 وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ {7 نور()}، آیه 32}؛ «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح را، اگر فقیر و تنگدست باشند. خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است.»

«2 وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ {روم (30)، آیه 21}؛ «و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.»

«3 وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»؛ {نساء، (4)، آیه 3}؛
 «و اگر می‌ترسید که عدالت را رعایت نکنید با زنان پاک ازدواج کنید دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زانی که مالک آنها باشید، استفاده کنید. این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند.»

علاوه بر آیات، روایات بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد؛ چنان که از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است: «هر کس ازدواج کند، به درستی که از نصف دینش پاسداری کرده است» {«من تزوج فقد احرز نصف دینه». (وسائل الشیعه، ج 14، ص 5).

از این رو فقیهان ازدواج را از مستحبات مؤکد بر شمرده‌اند و آن را برای کسی که به سبب نگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب دانسته‌اند.

در اسلام و سنت پیامبر (ص) ترک ازدواج و رهبانیت تبلیغ نشده است، بلکه بین رهبانیت و هرج و مرج نسبی راه صحیح و متعادل که ازدواج و کامیابی شروع و کنترل شده جنسی است پذیرفته شده است.

از طرف دیگر ممکن است اشخاص مشکلاتی داشته باشند و نتوانند ازدواج کنند در اینصورت نمی‌توان گفت دین آنها ناقص است. آری، اگر شخصی برای او امکانات ازدواج فراهم باشد و شخص خوبی هم در دسترس باشد و با این همه ازدواج نکند. سنتی از سنت‌های پیامبر (ص) را ترک نموده است.

ارضای غریزه جنسی و تأمین نیازهای فیزیولوژیک انسان از آثار مثبت ازدواج است؛ ولی می‌توان فلسفه و حقیقت ازدواج از نظر اسلام را در سه امر جست و جو کرد: تکمیل، تسکین و تولید .

۱. رسیدن به تکامل روحی با ازدواج

هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست و پیوسته در جهت جبران کمبود خویش تلاش می‌کند. جوان در پی رسیدن به استقلال فکری است؛ برای جبران نواقص و تأمین نیازهای بی شمار خود به سوی ازدواج سوق داده می‌شود و با گزینش همسری مناسب و شایسته موجبات رشد و تکامل خویش را فراهم می‌کند. مرحوم شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «تشکیل خانواده یعنی یک نوع علاقه‌مند شدن به سرنوشت دیگران... و یکی از علل این که در اسلام ازدواج یک امر مقدس و عبادت تلقی شده است همین است... ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است... پختگی ای که در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده ایجاد می‌شود، در هیچ جای دیگر نمی‌توان به آن رسید. و آن را فقط در ازدواج و تشکیل خانواده باید بدست آورد.»¹

شخصیت انسان پس از ازدواج به یک شخصیت اجتماعی تبدیل می‌شود؛ زیرا در پرتو ازدواج و زندگی مشترک خود را شدیداً مسؤول حفظ همسر و تأمین وسائل زندگی و تربیت فرزندان آینده تلقی می‌کند و تمام هوش، ابتکار و استعدادهای خود را به کار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، احساس مسؤولیت اجتماعی در او شکل می‌گیرد و بسیاری از شایستگی‌ها و توانمندی‌های نهفته در درونش را شکوفا می‌سازد.

بنابراین، می‌توان ازدواج را مایه رشد و کمال یافتن انسان دانست. در واقع خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که بدون جنس مخالف ناقص است و با جنس مخالف کامل می‌شود. مرد به زن نیازمند است و زن به مرد. هر کدام از دو جنس از نظر روحی و جسمی به هم وابسته‌اند و با قرار گرفتن در کنار هم یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

۲. رسیدن به آرامش و امنیت با ازدواج

مهم‌ترین نیازی که بر اثر ازدواج تأمین می‌شود، نیاز به آرامش و احساس امنیت و آسودگی است این نیاز که در سرشت آدمی ریشه دارد، چنان مهم است که خداوند در بیان فلسفه ازدواج می‌فرماید: «از آیات و نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار دادیم تا در کنار آنان آرامش یابید.»

بنابراین، همسر موجب آرامش و امنیت خاطر و محیط خانه وسیله آرامش روحی زن و مرد قرار داده شده است. در اوایل جوانی احساس تنهایی، بیهودگی و نداشتن پناهگاه انسان را فرا می‌گیرد. ازدواج و قرار گرفتن در کنار همسری شایسته و دلسوز این احساس را از بین می‌برد و او را به آرامش روحی می‌رساند. این احساس آرامش به ثبات فکری و روحی، وقار، احساس ارزشمند بودن و لذت می‌انجامد. در واقع دست آفرینش نوعی کشش درونی میان زن و مرد به ودیعت نهاده تا هر کدام در سنین خاص خواهان یکدیگر شوند و اضطراب و پریشانی‌شان از طریق ازدواج به سکونت و آرامش تبدیل گردد. دانشمندان علوم تجربی و انسانی نیز ارضای صحیح و به موقع غریزه جنسی و ترشح معتدل غدد جنسی را برای سلامت جسم و روان آدمی لازم دانسته، عدم آن را سبب پاره‌ای از بیماری‌های روانی و گاه جسمانی شمرده‌اند.

۳. بقای نسل آدمی با ازدواج

یکی از ثمرات بزرگ ازدواج وجود فرزند و بقای نسل آدمی است. تولید و تکثیر نسل را نباید کوچک و بی اهمیت شمرد؛ زیرا هدف آفرینش جهان وجود انسان و پرورش و تکامل او است. تولید و پرورش انسان‌های خدا پرست و موحد و نیکوکار و صالح، مطلوب خدای جهان آفرین است. از دیدگاه اسلام، وجود فرزند صالح برای پدر و مادر یک عمل صالح شمرده می‌شود و در سعادت دنیا و آخرت آن‌ها مؤثر است به همین جهت، معصومان تولید و تکثیر نسل را از اهداف ازدواج خوانده‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «چه مانع دارد که مؤمن برای خودش همسری برگزیند. شاید خدا فرزندی به او عطا کند که با گفتن لا اله الا الله زمین را سنگین سازد.»

در حقیقت زوجها از طریق فرزندان خود رشته پیوند میان اعضای یک نسل را به وجود می‌آورند. این امر از اهداف اساسی ازدواج است؛ وجود فرزندان به گرمی، پویایی و صفای کانون خانواده می‌انجامد و انگیزه ادامه زندگی را در انسان تقویت می‌کند.

البته روشن است که در پرتو ازدواج یکی از نیازها و غرایز مهم انسان (غریزه جنسی) تأمین و به روشی درست ارضا می‌شود.

با تأمین این نیاز جسمانی، فرد از نظر روانی، ذهنی و اخلاقی به آرامش می‌رسد و مسیر بسیاری از انحرافات جنسی و اخلاقی و اجتماعی بسته می‌شود.

فواید دیگر : گذشته از نیازها که ضرورت ازدواج را معنی می‌بخشند ، بنای ازدواج تنها بر رفع ضرورتها تکیه ندارد ، بلکه علاوه بر آن ، بر منافع و فواید دیگری نیز استوار است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۴. بزرگ شدن روح با ازدواج

یکی از مهمترین نتایجی که در اثر ازدواج حاصل می‌شود بیرون رفتن فرد از مدار فردیت خود و شکسته شدن نسبی اما قابل توجه حصار نفسانیت انسان است ، ازدواج توأم با توجه به یک فرد دیگر - که تا بحال غریبه بوده و یا حکم نامحرم داشته است - می‌باشد و این امری است مهم ، چرا که تا بحال جوان ما بجز وجود خود و آمال و آرزوهای خود فکری دیگر نداشته است ، اما بواسطه ازدواج ، یک نفر دیگر نیز در مدار برنامه ریزی و توجه او قرار می‌گیرد و حاضر است از وجود خود و داشته‌های خود به دیگری نیز عطا کند و بواسطه محبت و دوستی که ایجاد میشود ((من)) وجودی فرد گسترش یافته و از مدار صرف خودبینی خارج می‌گردد و تلاش برای آسودگی ، رفاه و آسایش یک نفر دیگر حکایت از بزرگ شدن روح فرد می‌کند چرا که وی ، یک نفر دیگر را تحت لطف قرار می‌دهد و بواسطه وی یک نفر دیگر زندگی راحت تری را تجربه می‌کند.

۵. تمرین محبت کردن با ازدواج

در ازدواج یک اتفاق مهم دیگر می افتد و یا بایستی بیفتد و آن صمیمیت و دوستی بین دو نفر است و این یکی از اهداف مهم دین اسلام است که افراد با هم دوست و صمیمی شوند . خداوند در ازدواج چاشنی یک ارتباط محبت آمیز را با قرار دادن مودت و رحمت بین زوجین قرار داده است ، بنابراین ازدواج یکی از بهترین زمینه ها برای تمرین محبت کردن - آنهم یک محبت حلال ، طیب و مهمتر از همه واقعی - را فراهم می کند و همین تمرین محبت کردنها کم کم انسان را و روحش را بزرگتر و رؤف تر می کند.

۶. تمرین در ارتباطات با ازدواج

در ازدواج فرد سالها تمرین می کند که رابطه محبت آمیز را چگونه حفظ کند و آنرا در حد عالی نگه دارد و این تلاش خود بخود تغییرات عمیقی را در افراد بوجود می آورد ، وقتی فرد عادت کند سالها به خوبی صحبت کند ، اهل عطف و گذشت باشد ، رفتار مهربانی داشته باشد ، اهل خیر و انفاق باشد و آنقدر روحش بزرگ شود که دیگری را بر خود مقدم بشمارد یا حداقل به اندازه خودش به او اهمیت دهد ، مطمئناً بعد از گذشت چندین سال ، خواهید گفت این فرد با فرد قبل از ازدواج خیلی فرق کرده و خیلی بهتر شده است.

۷. شخصیت مفیدتر و مستقل تر با ازدواج

در ازدواج بدلیل اینکه افراد با واقعیتهای زندگی بیشتر مرتبط می شوند و مسئولیت های بیشتری را بر عهده می گیرند ، لذا جسم و ذهن هر دو برای بهبود و رفاه زندگی تلاش بیشتری را می کنند و نتیجتاً فرد از لحاظ فردی از حالت نیاز و وابستگی به سوی استقلال و خودکفایی گام بر می دارد و از لحاظ اجتماعی فرد کم کم از یک وجود مصرف کننده به وجود تولید کننده یا خدمات دهنده در اجتماع تبدیل می شود.

۸. سیر بزرگ شدن انسان با ازدواج

آنزمان که فرزندان هم به جمع زوجین اضافه شوند ، این بار زن و مرد از مقام زوجیت به مقام والدین ارتقا می یابند و چه زحمتهای ، تلاشها و کوششها برای اینکه انسانی دیگر به این دنیا قدم بگذارد و رشد و پرورش یابد را متحمل می شوند و اگر زمانی زن و مرد به یکدیگر عشق می ورزیدند به این دلیل بود که از همدیگر لذت می بردند ، با آمدن فرزندان ، علاوه بر خود به کسانی دیگر نیز مهر و محبت می ورزند ، اما این دفعه نه به این دلیل که نفعی و لذتی ببرند ، بلکه بدین علت که نفعی برسانند و بهره ای را ارزانی کنند . و در این مقام است که انسانها با کمی توجه به رشحاتی از مفهوم خدا بودن و بنده پروری پی می برند .

1.تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری. ص 252 .

2.سوره روم (30): آیه 21.